

مصیبت توسعه

قرن ۱۹ میلادی دوران اوج استعمار ملت‌های شرقی و آفریقایی از سوی غربی‌ها بود که تحت عنوان توسعه و آبادی آن را ترویج می‌کردند. استعمار در لغت به معنای «مطالبه آبادی و عمران» است و ذاتاً دارای بار معنایی مثبت است، اما پس از آن که ملت‌های مستعمره نتایج عمران ادعایی استعمارگران را تجربه کردند، استعمار به واژه‌ای با معنای منفی تبدیل شد. آبادانی استعمارگران طوری بود که عوارض آن نصیب جامعه محلی می‌شد و سود آن را استعمارگران می‌بردند. واژه توسعه نیز همین سرنوشت را پیدا کرده است. پس از خاتمه روش کلاسیک استعمار، قدرتمندان در قالب شرکت‌های توسعه‌گر همان هدف را دنبال کردند. در قرن بیستم برنامه‌های توسعه به‌منظور آماده‌سازی کشورهای ضعیف برای مصرف کالاهای غربی در دستور قرار گرفت. میل فزاینده به سودجویی از منابع خام به تولید انواع آلودگی و مصرف بی‌رویه منابع بین‌نسلی انجامید. دنیای غرب که خود مولد توسعه نامتوازن و بروز خسارت‌های بی‌درپی به جامعه و محیط بود، از نیمه قرن بیستم با تبیین شروط دقیق‌تر برای توسعه تلاش کرد از آسیب‌های زیست‌محیطی برنامه‌های توسعه بکاهد و تدریجاً با تعریف جدید از توسعه نابسامانی‌های اجتماعی و فرهنگی آن را نیز مورد توجه قرار دهد. یک قرن پیش، ایران با کودتای رضاخان دچار دولت مدنی شد که دستور کار آن توسعه بود. این اتفاق با کشف نفت و اهمیت ویژه موقعیت ژئوپولیتیک ایران در رقابت‌های دو قطب آمریکا و شوروی مقارن شد. فارغ از جزئیات، برنامه‌های توسعه ایران در چهار دوره پهلوی اول، حکومت ملی (سال‌های ۱۳۲۰ تا ۱۳۳۲ شمسی)، پهلوی دوم و جمهوری اسلامی با خصوصیات مشابه دنبال شدند. علت این امر را علی‌رغم تفاوت بارز نگرش سیاسی در دوره‌های مذکور می‌توان در ابهام مفهوم توسعه دانست. توسعه امری مطلق تلقی می‌شود که پرداختن به آن با هر شیوه موجه است. طی دوران مذکور برنامه‌های مختلف توسعه عمرانی و اقتصادی آمرانه با مستشاری غربی‌ها یا در قالب برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی تهیه و اجرا شد. اینک که یک قرن از شیوع این نگاه به توسعه می‌گذرد، مصائب آن قدر آشکار شده که افکار عمومی را به مطالبه تغییر در توسعه وا داشته است. از دهه ۶۰ میلادی توسعه پایدار پرچمدار گونه مطلوب توسعه به‌مثابه گونه‌ای نوپایافته گردید. روند اصلاح مفهوم توسعه با تمرکز بر ویژگی‌های حیات و بقای مادی انسان و محیط دستاوردهای مطلوبی داشته است. در دو دهه اخیر نیز با طرح رویکردهای اجتماعی و فرهنگی به توسعه تلاش شده تا تفسیر جامع‌تری از مفهوم توسعه پایدار ایجاد شود. شیوه دستیابی به هدف در این مسیر، تولید اسناد الحاقی و انضمامی است. یعنی کمبودهای متدولوژی توسعه را از طریق پیوست‌های جداگانه تأمین می‌کنند. این شیوه‌ای است که در مقررات فعلی ایران نیز برای طرح‌های عمرانی تحت عنوان پیوست‌های زیست‌محیطی، اجتماعی و فرهنگی انجام می‌شود. این تلاش تأثیر اندکی در کم‌کردن آسیب‌های توسعه در ایران داشته و مصائب توسعه در مقیاس‌های مغفول همچنان برقرار است، زیرا جهت‌گیری پیوست‌های مذکور تنها ناظر به مؤلفه‌هایی است که مستقیماً موضوعات بخشی پیوست‌ها را مد نظر قرار می‌دهد و همچنان از کل‌نگری دور مانده است. توسعه بخشی، سرزمین را که بستر آن است، دارای پاره‌هایی مستقل و فاقد کلیت می‌شناسد. از این‌روست که محیط زیست در این رویکرد معادل عرصه بیولوژیک، وجه اجتماعی معادل شاخص‌های منتخب و بُعد فرهنگی مساوی نمادهای تمدنی است. این که در سراسر کشور می‌توان طرح‌های توسعه‌ای را یافت که در بُعد اقتصادی پروژه موفق شناخته شود اما آثار پیرامونی آن بر سرزمین و جامعه انسانی پروژه را زیان‌ده بسازد، حاکی از تداوم گونه اولیه توسعه در ایران است. این‌ها طرح‌های زیان‌دهی هستند که در پناه ناشناخته‌ماندن ارتباط مصائب جامعه محلی با برنامه توسعه می‌توانند به حیات خود ادامه دهند.

کمپ B در بندر امام خمینی (ره)، محله‌ای بازمانده از زمان تأسیس پتروشیمی ماهشهر در پنجاه سال قبل است که محل اسکان کارگران ژاپنی بوده و طی چند مرحله با اسکان جنگ‌زدگان و مهاجرانی از دیگر شهرها قلب تاریخی سربندر (بخش مسکونی بندر امام) را شکل داده است. این ناحیه در زمانی که سربندر جز زمین بایر چیزی نبود، محل زندگی بود. امروزه در حالی که بقیه نواحی استانداردهای متوسطی از حیث سکونت دارند، سربندر به‌دلیل بلاتکلیفی تحمیلی در موضوع مالکیت زمین، در عداد عقب‌مانده‌ترین مناطق مسکونی کشور شمرده می‌شود؛ بدون هر گونه زیرساخت متعارف که تأمین آن بر عهده حاکمیت است، با خیابان‌هایی عریض و خارج از مقیاس که مناسب تردد ماشین‌های سنگین پتروشیمی است. تفسیر رفتار پنجاه‌ساله با کمپ B حاکی از آن است که این محله نه برای زندگی انسان که برای استقرار (و نه اسکان) خدمت پتروشیمی ساخته شده؛ ساکنان در حکم کالایی هستند که متناسب با منافع ارباب (پتروشیمی) با آن‌ها رفتار می‌شود؛ مشابه رفتاری که با سایر ملزومات و اجناس این پروژه عظیم می‌شود. در این رویکرد مصلحت کالا (در اینجا، ساکنان) موضوعیت ندارد، بلکه منافع مالکانه است که تعیین‌کننده میزان خدمات قابل ارائه به آن‌هاست. می‌توان گفت که ساکنان و بخش‌های بزرگی از دیگر ذی‌نفعان در روند شکل‌گیری و فعالیت پروژه توسعه نقش منفعل و تبعی (ابژکتیو) دارند و حقوق و استقلال آن‌ها که نقش فعال و سوزگه‌ای آن‌ها را تبیین می‌کند در رده دوم است. اخیراً و طی یک برنامه دیگر توسعه، در لوای حمایت از محرومان ساکن کمپ B، بنیاد مسکن در فرایندی یکسویه، مرکز نشینانه و بی‌دغدغه ذی‌نفعان دست به ابتکاری برای نوسازی محله زده که زحمت مضاعف بر ساکنان تحمیل کرده است. کپه‌های گروهی را تحت عنوان درجاسازی و گروهی دیگر را در قبال زمین معوض تخریب کرده و با اعمال طرحی نامنطبق با شرایط زمینه، پروژه بزرگی را کلید زده که نه خود و نه ساکنان قادر به تکمیل آن نیستند. شرایط جدید محله به مراتب از حلیه آبادی که خود طی سالیان برپا کرده بودند اسفناک‌تر است. چنان که نگین بوجانی در عکس روی جلد نمایش داده، کپه جدید محله، سرپناهی سست‌تر از گذشته است که در خراب‌آباد توسعه و جبر اسکلت بتنی تیپ، نصیب او شده است. این شهروند مظلوم نه تنها همسایگان خود را از دست داده، بلکه ناگزیر است تا مدت‌های طولانی که از عمر او بیشتر خواهد بود در خانه‌ای که برای همیشه، موقت خوانده می‌شود زندگی کند. در بستری موقت که هیچ زیرساختی کامل نیست، نوعی مرگ تدریجی که فتوای برنامه توسعه است. اصلاح مفاسد متعارف توسعه با شیوه انضمامی ممکن نیست. لازم است موضوع توسعه یک مقوله واحد باشد و از نامیدن پروژه‌های بخشی تحت عنوان توسعه خودداری شود. «مکان» رآمده از وحدت جغرافیا با تمدن بالیده در آن، که سرزمین نامیده می‌شود، می‌تواند موضوع توسعه باشد. در این صورت پروژه‌های بخشی، اقداماتی از فرایند کلان و واحد توسعه محسوب خواهند شد که حفظ منافع سرزمین، معیار درستی آن‌ها قرار می‌گیرد.

مدیرمسئول

سیدامیر منصوری

amansoor@ut.ac.ir

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the authors with publication rights granted to Manzar journal. This is an open access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله

منصوری، سیدامیر. (۱۴۰۳). مصیبت توسعه. منظر، ۱۷(۷۰)، ۳.

DOI: 10.22034/MANZAR.2025.217748

URL: https://www.manzar-sj.com/article_217748.html